



سبک شناسی تفسیر در فلاصه البیان فی تفسیر القرآن

آیت الله مجاهد فقیه ربانی سید هاشم میردامادی نجف آبادی (ره)

سید مجتبی میردامادی
مدرس سطوح عالیہ حوزه علمیه قم

آیت الله سید هاشم میردامادی، معروف به نجف آبادی، سال در ۱۳۰۳ قمری در نجف اشرف چشم به جهان گشود. در سن دو سالگی، پدر خود را از دست داد. نیاکانش، همه از اهل فضل و دانش بوده اند. نسب وی، با ۳۰ واسطه به ابوالحسن محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع) می رسد. دانشمندان ذیل، همه در سلسله اجداد وی اند: علی بن حسین عاملی کرکی، معروف به محقق ثانی (۹۴۰ هـ ق). میر محمد باقر داماد، معروف به میرداماد (۱۰۴۱ هـ). علامه میر عبدالحسین (۱۱۲۱ هـ)، صاحب کتب گوناگون، مانند مصقل الصافی فی الرد علی النصاری، نفحات لاهوتیه و مفتاح الشفاء است علامه میر محمد اشرف (۱۱۴۵ هـ)، فرزند میر عبدالحسین که در تخت فولاد اصفهان مدفون است.

سید هاشم میردامادی، بعد از تحصیل مقدمات و سطوح، در محضر بزرگان نجف، از جمله؛ آخوند خراسانی، میرزا تقی شیرازی و میرزا حسین نائینی حضور یافت. وی پس از اقامت چهل ساله در نجف، به ایران آمده و درس تفسیرش در مسجد

جامع گوهرشاد مشهد مقدس مورد توجه طبقات مختلف مردم قرار گرفت. سال‌ها بعد، در حادثه گوهرشاد (۱۳۱۴ هـ ش)، بازداشت شد. نخست به قزوین و سپس به سمنان تبعید گردید. پس از تحمل هفت سال تبعید به شهر ری رفته و سپس به مشهد باز می‌گردد^۲، وی جمعاً حدود ۳۰ سال در جامع گوهرشاد جلسات تفسیر داشته. و بالاخره در شامگاه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۸۰ قمری، دعوت حق را لبیک گفته و در کنار مضجع شریف امام رضا(ع) به آرامش ابدی فرو می‌رود.

نگاهی به تفسیر خلاصه البیان فی تفسیر القرآن:

تفسیر خلاصه البیان تفسیری مأثور و روائی و به زبان فارسی است. مؤلف، آن را بعد از جلسات درس در منزل خود املاء نموده است. گفتنی است که وی وضو ساخته و غسل می‌کرده و سپس آن را به یکی از اهل فضل، از شاگردانش به نام سید حسین نورائی املاء نموده است. تفسیر یاد شده از سوره حمد شروع و تا پایان قرآن ادامه دارد. مفسر در تفسیر آیات، به تفسیر مجمع البیان نظر ویژه داشته است. ناگفته نماند که این تفسیر در سال ۱۳۳۹ شمسی، تا آخر سوره کهف چاپ شده و بقیه آن هنوز به صورت دست نوشته باقی مانده که بزودی در ۱۰ مجلد به زیور طبع آراسته خواهد گردید.

سبک شناسی تفسیر خلاصه البیان

۱. فهم روشن از آیات

میردامادی برای تبیین آیات کریمه، در همه جای تفسیر به ترتیب زیر عمل کرده است:

الف - بیان ارتباط آیه مورد نظر، با آیات قبلی.

ب - ترجمه روان آیه

ج - تفسیر آیه مورد نظر، با رعایت نکات مهم و قواعد اساسی تفسیر

د - بیان روایات مرتبط با آیه و احیاناً توضیح روایت.

تفسیر خلاصه البیان به طور یک پارچه، از پیوستگی و هماهنگی لازم در ارائه مطالب برخوردار است. بیان ارتباط هر آیه با آیه‌های پیشین بر انسجام مطالب قبل و بعد افزوده

است. توضیح واژه‌ها، مانند کتب لغت، دارای ترتیب خاصی نیست، بلکه همراه معنای هر واژه آورده شده، به گونه‌ای که خواننده آن چه را که به وسیله کتاب لغت می‌خواهد بداند، با مطالعه توضیحات هر آیه، به خوبی در می‌یابد. مثلاً در توضیح آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيٰ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا» (بقره، ۲۶/۲) می‌گوید:

«بعوضه، پشه‌ای خاکی است که به آسانی دیده نمی‌شود و از خواص بعوضه آن است که زنده است، مادامی که گرسنه است و چون چاق شود، بمیرد» (خلاصه البیان، ج ۱/۲۷).

در آیه بعد «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» (بقره، ۲۷/۲) چنین می‌گوید:

«توصیف فرمود فاسیقینی را در آیه قبل به قول خود. آن‌ها کسانی هستند که عهد خدا را وفا نمی‌کنند و قطع آن کنند. و مراد از عهد، آن چه خداوند در فطرت عقول‌شان قرار داده، از دلائل توحید و عدل و آن چه حجت اقامه فرموده بر تصدیق انبیاء و رسل از معجزات ظاهر که شاهد است بر صدق‌شان و مراد از نقض‌شان عهد را، ترک اقرار به آن چه مبین شده بود».

مصنّف در ادامه، برای عهد خدا دو معنا می‌آورد. یکی وصیت خداوند و دیگری آن چه در تورات، بر تصدیق پیامبر گرامی (ص) آمده است: مراد از نقض عهد را با بیان دیگری می‌آورد و توضیحی مفصل می‌دهد: در مرحله بعد، مصنّف روایات مرتبط با آیه مورد نظر را می‌آورد.

در آیه ۲۶ سوره بقره، مؤلف به روایتی زیبا از امام صادق (ع) تمسک می‌جوید: «خداوند آن چه در فیل خلق کرده، در پشه نیز آفریده، با این تفاوت که در پشه، دو عضو افزون نهاده است، تا مؤمنان به لطائف و عجائب صنع خداوندی آگاهی یابند». بدین سان مخاطب به راحتی می‌تواند تصویری روشن از آیه موردنظر را به دست آورده و زمینه لازم برای طرح سؤالات جانبی فراهم گردد.

۲. توجه به اقوال مفسران

مؤلف از اقوال دیگر مفسران غافل نبوده و از آن بهره جسته است. وی غالباً نام مفسری را نیاورده و فقط از عبارت «مفسران گفته‌اند»، یا «بعضی گفته‌اند» استفاده کرده است. مثلاً

در توضیح آیه شریفه: «لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره، ۲/۱۰۱) می گوید: بعضی گفتند: مراد این که یهود پیچیدند تورات را در حریر و دیباچ، و مزین کردند آن را به طلا و نقره، اما حلال نکردند حلال آن را و حرام نکردند حرام آن را. بعضی گفتند: چون آمد به سوی ایشان رسولی با این قرآن، قبول نکردند آن را پس، کانه انداختند کتاب اول خود را، که در آن بود صفات رسول (ص). (خلاصه البیان، ج ۱/ ص ۸۸).

و در تفسیر آیه «إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيكَةِ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳/ ۹۷) چنین می گوید: «بعضی گفتند: مراد اول بیتی است که قرار داده شده برای عبادت، و قبل از آن نبود بیتی که مردم در عبادت، توجه به سوی آن کنند». (خلاصه البیان، ج ۱/ ۳۳۰).

۳. رعایت قواعد تفسیر

۱/۳. قواعد ادبیات عرب:

در هر زبانی، افزون بر ماده کلمات، هیأت و قالب های ترکیبی آن ها در ضمن عبارات ها، دارای معنای خاص و ویژگی های مربوط به خود است. صرف و نحو و معانی و بیان و به طور کلی قواعد علوم ادبی، برای دانستن معانی آیات ضروری است. و بدین جهت است که قواعد عرب با فصیح ترین زبان عرب، در زمان نزول مطابقت دارد. از طرف دیگر، قرآن به گواهی صاحب نظران، بهترین سند برای کلام فصیح و بلیغ بوده و هنگام تعارض با قرآن، قرآن مقدم بوده. و آن قاعده تخطئه می گردد. ۳

گفتنی است که میردامادی، هم مسلط بر قواعد عرب بوده، و هم خود بین عرب زبان ها بزرگ شده است. وی به درستی توانسته است مطابقت قواعد زبان تازی با فصیح ترین عبارات های زبان عرب را دریابد. او افزون بر ترجمه صحیح کلمات و آگاهی از لغت و علم اشتقاق، به نکات ادبی گهگاه تصریح می نماید. علاوه بر آن به قرائن نیز توجه کافی نموده است. عنایت به الفاظ مشترکه، ایجاز، مجاز، اضممار، سیاق کلمات، کنایه و تشبیه و... از دیگر نکات موجود در تفسیر میردامادی است که در جای خود توضیح آن خواهد آمد. او غالباً بطور مستقیم وارد مباحث مربوط به قواعد عرب نمی شود. بدین جهت است

که تفسیر خلاصه‌البیان برای همه طبقات بهره کافی را خواهد داشت. ^۲ وی، در تفسیر آیه ۱۴، سوره آل عمران: «زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»، می‌گوید «قناطر که جمع قنطار است و در معنی آن اختلاف است. لکن روایت از امام باقر(ع) و صادق(ع) است که مراد از قنطار، پرشدن پوست گاو است از طلا و نقره. و معنی مقنطره مضاعف است. و گفته‌اند نه عدد قنطار مقنطره است. و بعضی گفته‌اند: قناطر یعنی کامله مجتمعه».

۲/۳. مبنا بودن علم و علمی

وی، در تفسیر هر آیه، دقت لازم را داشته و از دایره قطع و یقین، در بسیاری از آیات خارج نگشته است. تحقیق و تتبع او، به حدی پیش رفته، که آیه و موضوعات آن، حلاجی شده و سپس نظر او به چشم می‌خورد، در مواردی نیز آیه دارای احتمالات گمان‌آوری است. در این حال نزدیک‌ترین آن‌ها به واقع را انتخاب کرده و ظن متأخم به علم، در تفسیر آیات مورد نظر، مورد توجه وی بوده است. قرائن لفظی و لبی، سیره عقلا و حاکمیت عقل در آیات ذو وجوه، او را از پرتگاه احتمالات مرجوح دور ساخته است.

۱/۲/۳. نصوص و ظواهر آیات:

دلالت‌های آیات کریمه، بر معانی مستفاد، بر سه گونه است: ^۴
 الف - قطعی بوده و آن، استفاده مفاهیم از الفاظ قرآن بدون احتمال خلاف است.
 ب - ظنی است یعنی، استفاده مفاهیم از الفاظ قرآن، با وجود احتمال معنای دیگر، غیر آن‌چه از ظاهر استفاده می‌شود.
 ج - احتمال فرض‌هایی در آیات دارای معانی مجمل و مبهم. گونه یاد شده، دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد و نمی‌تواند مبنا و مستند تفسیر قرار گیرد. بدین جهت، مبنا بودن علم و علمی، به گونه‌ای روشن می‌شود.
 میردامادی در این گونه آیات متشابه، به دلیل قرائن برخلاف، به ظواهر آن‌ها تمسک نکرده است، وی در تفسیر آیات متشابه، مانند «الرحمن علی العرش استوی» (طه، ۵/۲۰) به ادله عقلی و نقلی استناد نموده است.

۲/۲/۳. محکم و متشابه :

محکم و متشابه، یکی از مباحث اساسی تفسیر است. معمولاً مفسران قرآن در این بحث، دقت لازم را داشته‌اند چرا که هر گونه تفسیری از محکم و متشابه، بی شک در فهم آیات نقش تعیین کننده خواهد داشت. مفسر ما نیز، در آیه کریمه «هذا الذی انزل علیک الكتاب منه آیات محکمات هن ام الكتاب و آخر متشابهات فأما الذین فی قلوبهم زیغ...» چنین می گوید:

«اله عالمین آن کسی است که نازل کرد بر تو ای رسول کتاب را، یعنی قرآن را، که از قرآن است آیات محکمات و آن‌ها اصل کتاب است. و قسمت دیگر از آیاتی است که غامض است معنای آن و شبیه است دلالت آن‌ها بر معنای دیگر. از این جهت آن‌ها را متشابهات نامیده است و محکمات، آیاتی است که معلوم باشد مراد از ظاهر آن‌ها، بدون دلیل و قرینه، که مقرون به آن شود از جهت واضح بودن معنی آن، مثل قوله تعالی: «إِنَّ لِلَّهِ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» و امثال آن. از آیاتی که محتاج نیست در معرفت، مراد از آن به دلیلی. و متشابه، آن آیاتی است که دانسته نشود مراد از ظاهر آن، مگر مقرون شود به آن، چیزی از مسلمّات نزد هر عاقلی، یا اتفاق جمیع مسلمانان بر آن دلالت کند بر مراد از آن، مثل قوله تعالی: «و اضلّه الله علی علم»، که فرق است بین آن‌ها با قوله اوتعالی: «و اضلّهم السامری»، زیرا که اضلال سامری و سایر کفار شأن آن‌ها است به سبب کفر و خبیث نفوس شان. اما اضلال خداوند بنده را بر معنی ظاهر آن، منافی با اصول عقلیه و اتفاق انبیا و اوصیا و علمای اسلام و اهل ملل است. بعضی گفته‌اند: محکم آن است که مشتبه نشود معنای آن و متشابه آن است که مشتبه شود معنای آن در امور دین، مثل توحید و نفی جسمیت از خدا. و پس، حاصل این شد: محکمات، یا قطعی الدلالت است و یا ظاهر در مراد، یا بذات کلام، و یا به قرینه ای که متصل به کلام است». مؤلف بعد از چند سطر، به آیه ای دیگر استناد دارد:

«و نیز قوله تعالی «قل الروح من امر ربّی»، که ظاهر است. معنای آن و از محکمات است و آن اصل است نسبت به آیه «و روح منه»، که ظاهر می شود معنای آن، با رجوع به اصل. و قسمی از قرآن، رموز و مبهمات است. بر این‌ها اطلاق متشابهات کنند، از قبیل

الم، المر، حم و كهيعص، كه اين ها مبهمات و رموز و اشارات است. و نيز از متشابهات، اين آيات است: «يد لله فوق ايديهم» (فتح، ۴۸/۱۰)، «و جاء ربك و الملك صفا صفا» (فجر، ۲۲/۸۹)، «الرحمن على العرش استوى» (طه، ۲۰/۵) كه معنای آن ها ظاهر است اما مدلول آن ها مخالف با عقل است: (خلاصة البيان، ج ۱/ص ۲۷۰-۲۷۱).

۳/۲/۳ شأن نزول و اسباب نزول:

از جمله قرائن پیوسته غير لفظی - كه آشكارا مفاد و مقصود كامل بعضی از آيات را روشن سازد - شأن نزول و اسباب نزول است. شأن نزول همانا رخدادهایی است كه قسمتی از آیه یا آیات، یا سوره ای از قرآن درباره آن نازل شده است. و اسباب نزول، عبارتست از حادثه و یا پرسشی كه آیات، به مناسبت آن نازل شده است. ^۵ مفسران گذشته معمولاً بین اسباب نزول و شأن نزول، تفاوتی قائل نشده و هر دو را با عنوان اسباب نزول و یا شأن نزول آورده اند. در مجمع البيان، مرحوم طبرسی فقط از واژه «النزول» استفاده کرده است. تفسیر خلاصه البيان نیز، با ذكر حوادث و وقایع صدر اول، و بیان وضعیت اجتماعی و سیاسی جزیره العرب، شأن نزول و اسباب نزول را به درستی توضیح داده است. مثلاً، در آیات ۱۲۱ و ۱۲۲، سوره آل عمران، اسباب نزول آیات را به طور مفصل بیان داشته است:

«زمانی كه قریش برگشتند از بدر به مكه، رسیده بود به ایشان آن چه رسید از قتل و اسیری، منع كردند زنان را از گریه بر كشته های خود، تا باقی بماند حزن و عداوت شان بر رسول خدا. لیكن زمانی كه قصد كردند آمدن به حرب با رسول خدا را درأخذ، اذن گریه و نوحه دادند زنان شان را. و بیرون آمدند از مكه با سه هزار اسب سوار و دو هزار پیاده» (خلاصة البيان، ج ۱/ص ۳۴۷).

۴/۲/۳. سیاق آیات:

یکی از قرائن پیوسته لفظی در قرآن، همانا سیاق است. یعنی، كلمات، جملات و آیات به سیاق تقسیم می شود. سیاق آیات، عبارتست از: پیوستگی و هماهنگی بین آیات قرآن، كه خود قرینه ای برای فهم متقابل آیات خواهد بود. ^۶

سیره عقلا بر اصالة السياق تأکید داشته و عالمان علوم قرآنی، ضرورت قرینه بودن سیاق را گوشزد نموده اند.^۷ به گونه ای که با در نظر گرفتن قرینه بودن سیاق مفسر به راحتی آیات را توضیح و تفسیر کرده. و مراد باری تعالی را هم می تواند بفهمد و بفهماند.

تحقق سیاق آیات، منوط به دو شرط اساسی است:

الف - ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول

ب - ارتباط موضوعی.^۸

مؤلف به نحوی از قرینیت سیاق استفاده کرده و قبل از تفسیر هر آیه، احیاناً توضیحی در ارتباط با آیه مورد نظر با آیه قبل می دهد. در بسیاری از موارد، این توضیح همان سیاق مصطلح است.

۴. اجتهاد و عقل گرایی در تفسیر

در عصر نزول قرآن و چندی پس از آن، توضیح آیات مبارکه قرآن، فقط به روش نقلی صورت می گرفت و آن بدان علت بود که با وجود پیامبر اکرم (ص) نیاز به طریقه ای دیگر نبود. اما بعدها در نیمه قرن دوم و سده سوم، با فقدان خاندان وحی، هم چنین اختلافات مذهبی و تقابل مسلمانان با جهان خارج و نیز ورود علوم گوناگون به حوزه اسلام، عقل گرایی در کنار میراث جاودانه نقل قرار گرفت. از این پس، دیگر تفسیر و توضیح آیات قرآن، از انحصار نقل بیرون آمد. میردامادی افزون بر اطلاعات فلسفی، از تفکر و تعقل، همراه با تعبّد برخوردار بوده است. وی در بسیاری از آیات - که در آن ها دعوت به تفکر می شود، تفسیری خردمندانه ارائه می دهد. وی از عقل، نه فقط احیاناً به عنوان مویّد استفاده می کند، بلکه در سراسر تفسیر عقل را حجتی می داند که به کمک مفسر آمده و او را در توضیح آیات کمک کار است. هم چنین، وی بر نقش توصیفی عقل تأکید می کند.

در این باره می توان به توضیح آیه ۴۴ سوره بقره اشاره کرد. میردامادی مفسر، روایتی را نقل می کند که امام صادق (ع) می فرماید: «خداوند عبادت نشده است، به چیزی افضل از عقل». (خلاصة البیان، ج ۱ / ۴۵)، و در تفسیر آیه ۲۴۲ همان سوره می گوید:

«به درستی که عقل فطری، کامل شود به عقل کسبی. و آن، به استعمال عقل

است، اگر با علم باشد. و هر که اعمال نکند عقل را، می باشد مثل کسی که نیست برای او عقلی (خلاصه البیان، ج ۱/۲۱۶).

۵. بهره گیری از علم فقه

احکام القرآن، بخشی از آیات قرآن را تشکیل می دهد. اما این که چه مقدار از آیات، بیان احکام شرعیه است، نظرات متفاوتی وجود دارد. با عنایت به حدیث معروف «القرآن اربعه ارباع ربع فینا و ربع فی عدونا و ربع فرائض و احکام و ربع فی سنن و امثال» (کافی، ج ۲/۶۲۸)، یک چهارم قرآن، احکام شرعیه است که با احتساب ۱۶۶۰ آیه در قرآن، چهارصد و اندی آیه در این حوزه وجود دارد. فاضل مقداد، در مقدمه کتبه العزمان می نویسد: «بین فقها چنین شهرت یافته، که آیات مربوط به احکام شرعیه، پانصد آیه است». برخی عدد آیات الأحکام را به هزار نیز رسانده اند. ایشان عقاید و سنن، وعده ها و وعیدها و قصص انبیا را نیز در شمار احکام قرآن دانسته اند. در هر حال، آیات مربوط به حلال و حرام مباحات، نفی عسر و حرج، نفی سبیل، سهولت و تخفیف تکلیف، اصل برائت و ...، در شمار آیات الاحکام است. از طرفی، قرآن یکی از ادله اجتهادیه، برای استنباط احکام شرعیه است. بنابراین، فقیه نیازمند تفسیر صحیح از آیات دخیل در استنباط است. از طرف دیگر، مفسر نیز برای تفسیر متقن آیات، نیازمند اشراف لازم فقهی نیز هست. امتیاز مولف تفسیر خلاصه البیان، مانند صاحبان تفاسیر مشهور، این است که وی قبل از این که مفسر خوبی باشد، فقیه زبردستی نیز بوده است. وی سال ها در حلقه درس مشاهیر نجف حاضر شده و مفتخر به اجازه اجتهاد از مدرسان معروف گشته است. نظرات فقهی او در تفسیرش، شاهی مناسب براین سخن است. وی، در تفسیر آیه ۲۳، سوره نساء، حرمت عناوین هفت گانه در رضاع را به درستی توضیح می دهد. و نیز، در توضیح آیه ۱۵۸ سوره بقره که در آن از «لا جناح علیه» توهم عدم وجوب گردیده، می گوید: سعی بین صفا و مروه در نزد امامیه، واجب است در حج و عمره.^۹

۶. تسلط و حضور ذهن در استفاده از احادیث

سخنان معصومان (ع) برای تفسیر و توضیح آیات، از زمان نزول قرآن، همواره مورد استفاده و توجه بوده است. قرآن، پیامبر (ص) را مبین و شارح کلام وحی شناسانده است آنجا که می فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم» (نحل، ۱۶ / ۴۴). بنابراین دریافت و فهم صحیح آیات قرآن، با حدیث رسول خدا (ص) ممکن خواهد بود، ائمه معصومین (ع)، نیز مانند پیامبر (ص) در سه موقعیت، شارح کلام الهی بوده اند:

الف - پاسخ به پرسشها

ب - احتجاج و استدلال به آیه ای

ج - بیان و توضیح آیه ای از آیات مشکل قرآن

تفسیر خلاصه البیان، مانند تفسیرهای نور الثقلین و البرهان فی تفسیر القرآن، از امامیه، و تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، اثر سیوطی صبغۀ روائی داشته و تفسیر مأثور محسوب می شود. میرادامادی بنابر گفته شاگردانش^{۱۰}، به دقت تمام بحار الانوار را یک دور و نیم مطالعه کرده است. هم چنین با تسلط کامل در حوزه زبان عربی، به سهولت، هر روایتی را ترجمه و تفسیر نموده است.

جلد نخست تفسیر - که تا آخر سوره آل عمران است - حاوی نهصد روایت است، با احتساب ده مجلد به طور متوسط، حدود نه هزار روایت، در این تفسیر موجود است. میرادامادی هر روایتی را نقل نکرده، بلکه به تناسب آیه، مستندترین روایت را نقل نموده است: در این جا به نمونه هائی از تسمک به روایات اشاره می شود. قسمی از روایت مورد اشاره، در ارتباط با معنای واژگان است. مانند توضیح معنای واژه قنطره، در روایت امام صادق (ع)، که مراد از آن، پر شدن پوست گاو از طلا و نقره است. قسمی از روایات، بیان کننده مفاد آیات است، در حالی که غالب روایات تفسیر از این گونه می باشد. مانند تفسیر آیه شریفه (و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر اولئک هم المفلحون) (آل عمران، ۳ / ۱۰۴). از امام صادق (ع) روایت شده، است که فرمود: «این دو فریضه، بر کسی که صاحب قوت و مورد اطاعت و عالم بحکم باشد، نه بر ضعیفانی که جاهل بر احکامند. (خلاصه البیان، ج ۱ / ص ۳۳۷). گونه ای دیگر، مبین تأویل خاص از آیات

است. مانند آیه شریفه «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (آل عمران، ۳/ ۱۰۳)، که در ذیل آن، امام صادق فرمود: «مائیم حبل الله»

۷. صفای باطن و هدایتگری و انسان سازی

صفای باطن مفسر در تفسیرش، تأثیر عمیق خود را خواهد گذاشت درس تفسیر میردامادی در مسجد جامع گوهرشاد به اعتراف شاگردانش، فقط زبان علم و دانش نبوده، بلکه زبان اخلاق، عبادت و سلوک الی الله بوده است. وی از استادان اخلاق و عرفان، مانند سید احمد کربلائی، سید مرتضی کشمیری و آقا میرزا جواد ملکی تبریزی بهره‌های بسیار برده بود. فرزند دانشمند او در این باره چنین نوشته است:

«مرحوم سید هاشم، از دو استاد خود، میرزا محمد تقی شیرازی و سید احمد کربلائی بسیار یاد کرده و از یاد ایشان لذت برده و از سجایای اخلاق آنان حکایت‌ها نقل می‌نمود. خود می‌فرمود: بعد از آقا میرزا محمد تقی شیرازی، دیگر کسی به آن مرتبه از تهذیب نفس و پاکی ندیدم».

و نیز درباره سید احمد کربلائی می‌فرمود:

«این مرد، همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت. گاهی که با شاگردان مشغول صحبت بود و می‌خندید، توجه به خدا پیدا می‌کرد و از دیدگانش قطرات اشک جاری می‌گردید. در آن حال به هیچ کس توجه نداشت».

مرحوم سید هاشم، موفقیتش در زهد و تقوا، کم‌نظیر و دیگران به او غبطه می‌خوردند. (گنجینه دانشمندان، ج ۷ / ص ۱۷۸، به نقل از فرزند آن مرحوم آیت الله سید حسن میردامادی). «نجابت خانوادگی و تقید مادرش به عبادات، سنن و ادعیه و نیز شوق کامل از دوران جوانی در جهت تکمیل نفس و تهذیب روح، مراوده با مردان خدا و ریاضت‌های مشروعه، همگی دست به دست هم داده و از او وجودی ساخت که جز رضای الهی چیزی در نظرش جلوه نمی‌کرد» (گنجینه دانشمندان، ج ۷ / ص ۱۷۸). علامه طباطبائی، او را به عنوان «اعبد طلاب نجف» ستوده است. مرحوم آیت الله بهجت، از او به بزرگی یاد کرده و در هنگام حضور فرزندش، آیت الله سید حسن، از سید هاشم حکایت‌ها نقل می‌نمود، در دیدارهای خانوادگی با مقام معظم رهبری، معظم له از پدر بزرگ خود، میردامادی - که در نوجوانی از خرمن علم و نورانیت او

بهره برده است - بسیار یاد می نمایند. اخیراً فرمودند «مرحوم سید هاشم، جد ما از درس استادان اخلاق و سیر و سلوک بهره وافر برده بود». در حکایتی که پدرم، مرحوم سید حسن برای اینجانب نقل می نمود، آمده است «من نوجوان که بودم، شبی در منزل مرحوم آیت الله العظمی، سید محسن حکیم بودیم. تابستان بود و پشت بام منزل نشسته بودیم. مرحوم حکیم رو به سید هاشم، کرد و فرمود «عظنی یا سید هاشم»^{۱۱}؛ مرا موعظه کن سید هاشم. تفسیر او سراسر، تذکار و عشق به خداست و بدین سبب، این تفسیر گرچه در شمار تفاسیر روایی بوده، اما از رموز و اشارات و نکات عرفانی خالی نبوده و در جای جای آن، نکاتی بلند برای اهل دل، به سهولت مشاهده می شود. بیان زیبا و جذاب و انسان ساز او، در توضیح آیات عذاب - که برخاسته از روح بزرگ و صفای قلب او بود - توانست یکی از ارازل مشهد را - که از کنار شبستان او می گذشت - بی خود کند. وی، بعد از جلسه تفسیر نزد او آمد و گفت «با این همه گناه، من هم بخشیده خواهم شد؟»

میردامادی، دست بر سینه او می گذارد و او را به ادای حقوق مردمان و حقوق باری تعالی دعوت می نماید. پس از چندی، همان شخص روسیاه و غرق در گناه، مستجاب الدعوه می شود. از آن پس، اهل مشهد، برای حل مشکلات خود به دعای او چشم داشته اند. هکذا تصنع المواعظ البالغه باهلها.

صوفی از پرتو می راز نهانی دانست

گوهر هر کس از این لعل توانی دانست

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس

که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

۱. جزوه‌ای با موضوع فقه، از آخوند خراسانی به جای مانده که تاکنون چاپ نشده. حاشیه بر عروه و مباحث الفاظ، از مرحوم نائینی نیز هنوز چاپ نشده است.
۲. اسناد ساواک رضا خان در ارتباط با دستگیری و تبعید میردامادی از سوی مرکز اسناد انتشار یافته است.
۳. روش شناسی تفسیر قرآن/۱۰۹.
۴. روش شناسی تفسیر قرآن/۲۲۰-۲۱۹.
۵. روش شناسی تفسیر قرآن/ص ۱۴۵.
۶. برای سیاق، تعریف جامعی نیافتیم. می‌توان در کلمات مرحوم محمد باقر صدر، در درس فی علم الاصول الحلقه الاولى، ص ۱۰۳؛ و نه‌ایه الدرایه، ۴/۵۰، سراغ گرفت.
۷. زرکشی، «البرهان فی علوم القرآن»، ۲/۳۱۲؛ رشید رضا دارالمنار، ۱/۲۲.
۸. روش شناسی در تفسیر قرآن/۱۳۸.
۹. همچنین در توضیح انفاق به والدین و اقربین و یتامی، در آیه ۲۱۵ سوره بقره می‌گوید: «مراد مستحبیه است. زیرا به اتفاق علماء، جایز نیست دادن زکات و خمس به پدر و مادر و جدّ و جدّه و اولاد». (خلاصه البیان، ج ۱/ص ۱۹۱).
۱۰. به نقل از فرزند مرحوم استاد، سید حسین میردامادی.
۱۱. به نقل از فرزند استاد مرحوم آیت سید حسن میردامادی.